

گزارشی از مبارزات «روز جهانی زن» بلژیک - مارس ۲۰۱۶

امسال به مناسبت ۸ مارس در بلژیک برنامه‌های مبارزاتی مختلفی سازمان‌دهی شده بود که ما فعالین و همراهان سازمان زنان ۸ مارس در بلژیک در برخی از این برنامه‌ها به علت اهمیت سیاسی و مبارزاتی آن شرکت کردیم و در چند مورد نیز سازمان دهنده‌ی مبارزاتی بودیم که اهدافی فراتر و متفاوت از سایر برنامه‌ها داشت.

شنبه ظهر، ۵ مارس ۲۰۱۶ - آکسیون در مرکز شهر بروکسل:



این آکسیون به لحاظ سیاسی مهم‌ترین و رادیکال‌تری آکسیونی بود که به پای برگزاری آن رفتیم. امسال هم در کنار جمعی از زنان سوسیالیست ترک و زنان گرد و ... تحت عنوان «پلتفرم برگزاری ۸ مارس در بلژیک» این آکسیون را در قلب شهر بروکسل برگزار کردیم. هدف سیاسی این آکسیون که با شعار «بدون مبارزه‌ی انقلابی زنان، امکان هیچ تغییری وجود ندارد!» این بود که بیش از پیش نشان دهیم که زنانی که خواهان تغییرات بنیادین و ریشه‌ای هستند، بی‌واهمه و به شکل واقعی در دنیای مادی در مقابل تمام نیروهای واپس‌گرای مردسالار امپریالیستی و بنیادگرایان مذهبی می‌ایستند. حتی با وجود این که بعد از کشتارهای پاریس، سطح امنیتی کماکان در بروکسل بالاست و پلیس هم تمایلی به برگزاری این آکسیون در مرکز شهر نداشت اما ما اعلام کردیم حتی در صورت عدم توافق پلیس هم این آکسیون را برگزار خواهیم کرد. از ساعتی پیش از اعلام رسمی برنامه در محل حاضر شدیم و با پهن کردن قطار عکس‌های خشونت علیه زنان روی سنگ‌فرش خیابان مردم دسته‌دسته به ما نزدیک شدند و بحث بر سر اشکال مختلف خشونت علیه زنان شروع شد؛ مثل تجربیات قبلی زن و مرد، پیر و جوان و کودک به محض دیدن عکس‌ها نزدیک می‌شدند. گاهی با شوک و تعجب و گاهی با خشم و نفرت نگاه می‌کردند؛ گاهی بحث در بین گروه‌های کوچک مردم بالا می‌گرفت و گاهی سوالاتی هم از برگزارکنندگان می‌کردند. هر لحظه به تعداد برگزارکنندگان افزوده می‌شد و تیشرت‌های سرخ رنگ ما با شعار «اگر زنان رها نشوند، هیچ کس نمی‌شود!» و «بدون مبارزه‌ی انقلابی زنان ...» جلوه‌ای متحدالشکل و درخشان داشت. دوستان با لبان خندان و سرشار از انرژی به جمع می‌پیوستند، جمعی ناهمگون از زنان ایرانی، افغانستانی، ترک، گرد، ترکمن، بلژیکی و بلغارستانی و ... که بعضاً ساکن کمپ‌های پناهندگی بودند تا دختران نسل دومی که متولد بلژیک هستند؛ از زنانی که تازه همان روز به جمع مبارزاتی ما پیوسته بودند تا زنانی که تجربه‌ی سال‌ها مبارزه‌ی متشکل و انقلابی داشتند. گرد آمدن این جمع و شعارها و ترانه‌های مبارزاتی انترناسیونالیستی ما چنان شور و گرمایی به خودمان و حاضرین می‌داد که سرمای هوا را فراموش می‌کردیم. در عین حال که سرگرم پخش کردن بیانیه‌هایمان در ارتباط با روز زن بودیم، با مردم به بحث می‌پرداختیم:

زنی معتقد بود که این بهترین راه تلنگر زدن به ذهن خواب‌آلود جامعه است، کشیشی که با دقت عکس‌ها را نگاه کرد معتقد بود که اگر می‌خواهیم به بهشت برویم باید این کار را متوقف کنیم که لبخندهای شیطننت‌آمیز دوستان پاسخی به این حرف‌های بی‌معنای او بود. زن محجبه‌ای که همراه با چندین بچه‌ی قد و نیم قد و همسرش رد می‌شد به محض دیدن ما شوهر و کالسکه‌ی یک بچه را کناری گذاشت و همراه دو پسرش سراغ عکس‌ها آمد و تک به تک و با دقت عکس‌ها را برای‌شان شرح می‌داد. چندین مادر دیگر نیز با همین دقت در مورد عکس‌ها با بچه‌ها صحبت می‌کردند. زنی از آسیای شرقی چنان تحت تأثیر قرار گرفته بود که نمی‌توانست صحبت کند و فقط اشک می‌ریخت. چند نوجوان در مورد وضعیت زنان با حجاب بحث می‌کردند. سه مرد میانسال عکس‌های تجاوز به زنان در جنگ را نشان می‌دادند و به عربی بحث می‌کردند. مرد مسلمان‌ی با تحکم دست زنش را کشید و از محل دور شد. مرد دیگری به سراغ ما آمد و گفت که تاریخ‌پژوه است و می‌فهمد که نقدهای ما به مذاق اسلامی‌ها خوش نمی‌آید و کارمان کمی ریسک دارد، ما هم گفتیم هدف هم دقیقاً همین است و نه تنها اسلامی‌ها بلکه سایر مردسالاران و امپریالیست‌ها هم از این حرکت ما خوشحال نخواهند بود. زنان زیادی با لبخند، با تکان سر، با چشم‌های پر امید و با نشان دادن علامت پیروزی با ما اعلام همبستگی می‌کردند و با اشتیاق بیانیه‌هایمان را می‌گرفتند.

در میانه‌ی برنامه پیام کوتاه جمعی و پیام تک تک تشکلات به زبان فرانسه خوانده شد؛ و با شعارهای «همبستگی با جنبش جهانی زنان» و ... همراهی شد. جالب این‌جاست که بعد از قرائت پیام‌ها زمانی که موسیقی مبارزاتی پخش شد دسته‌ی ده یا پانزده نفره‌ای از دختران جوان رهگنر به ما پیوستند و بی‌نیاز از هر آشنایی قبلی در رقص همراهی‌مان کردند. ساعتی بعد از نیمروز با همه‌ی تمایلی که به ادامه‌ی آکسیون داشتیم، به آن پایان دادیم تا خودمان را به محل تظاهرات برسانیم.

شنبه بعد از ظهر، ۵ مارس ۲۰۱۶ - تظاهرات غیرمختلط زنان در شهر بروکسل:



امسال دومین سال بود که تظاهرات غیرمختلط زنان (Non Mixte) در بروکسل برگزار می‌شد. سال گذشته نیز برگزاری این تظاهرات بحث‌های زیادی به راه انداخته بود. این که عده‌ای از زنان جوان فمینیست، چپ و رادیکال تصمیم گرفته بودند تظاهراتی فقط با حضور زنان برگزار کنند هم موجب نارضایتی احزاب (احزاب دولتی و همچنین احزاب چپ سنتی و ...) بود و هم سازمان‌های بزرگ و شناخته شده‌ی زنان. هیچ کدام در این حرکت شرکت نکرده و از آن حمایت نکرده بودند؛ احزاب چپ به بهانه‌ی این که باعث شکاف در طبقه‌ی کارگر می‌شود و سازمان‌های زنان به بهانه‌ی تراکم برنامه‌هایشان در روز زن و ... اما این‌ها هیچ‌کدام از شور و شوق و جدیت برگزارکنندگان کم نمی‌کرد. در طی جلسات منتهی به تظاهرات در جمع برگزارکنندگان، بحث‌های زیادی در مورد سیاست تظاهرات داشتیم و این‌که چطور به تضادها برخورد کنیم. برخورد قاطع با پدر/مردسالاری و کپیالیسم و مرزبندی با نیروهای نژادپرست و ملی‌گرا. ایجاد یک اتحاد قدرتمند در بین زنان برای حضور حداکثری آنان و مرزبندی با تفکرات ارتجاعی چون نژادپرستی، همجنس‌گرا هراسی، اسلام هراسی و ... که به بحث خوبی هم در مورد تفاوت برخورد نقادانه به اسلام و اسلام هراسی دامن زد.

در روز تظاهرات ما نیز بعد از آکسیون‌مان در مرکز شهر با سرعت خودمان را به محل قرار در ایستگاه جنوبی شهر رساندیم اما فهمیدیم به علت فشار پلیس تظاهرات خیلی زود حرکت کرده و مجبور شدیم دوان دوان خود را به صف راهپیمایی برسانیم. زنان با شعارهای مختلف و با پرچم‌های رنگارنگ در حرکت بودند. اگرچه تعداد شرکت کنندگان کمتر از سال گذشته بود (بیش از صد نفر) اما همه بسیار سازمان‌یافته و با حداکثر نیرو فعال بودند و کیفیت بسیار بالا بود. در تمام طول مسیر شعارها بی وقفه تکرار می‌شد تا بتوانیم شعار مرکزی تظاهرات یعنی «قربانی کافی است! خیابان را تسخیر کنیم!» را متحقق کنیم. شعارهای:

«بدن من! انتخاب من! آزادی من!»؛ «همبستگی با زنان جهان!»؛ «خیابان برای کیست؟ خیابان مال زنان است!»؛ «علیه خشونت مردسالارانه، دفاع شخصی فمینیستی!»؛ «دولت راسیست است، نه فمینیست!»؛ «سرنگون باد دگرجنس‌گرایی مردسالارانه!»؛ «سکسیسم، راسیسم، کپیالیسم: هر سه قوانین خود را دیکته می‌کنند!»؛ «هر چه ما می‌پوشیم، هر کجا ما می‌رویم، بله یعنی بله و نه یعنی نه!»؛ «می‌دانی یک فمینیست چه شکلی‌ست؟ این شکلی!»؛ «هی دخترها! هیچ مزخرفی را تحمل نکنید، وقتی آن‌ها سعی می‌کنند شما را پایین بکشند، این راه مقابله است، خشمگین باش!»؛ «توجه! توجه! ضدمردسالارها این‌جا هستند!»؛ «بدن ما، حق ماست! ما آماده‌ایم و خواهیم جنگید!» و البته در مقابله با پلیس که فشار زیادی به ما می‌آورد شعار «پلیس همه جا، عدالت هیچ جا!» را می‌دادیم. چون مسیر حرکت ما عمدتاً خیابان‌های مراکز خرید بود و پلیس می‌خواست ما سریعاً از آن‌جا عبور کنیم یا ما را به سمت پیاده رو هل می‌داد. در چند مورد مکافون یکی از فعالین را گرفت و او را هل داد که با اعتراض جمع رو به رو شد.

ما ابتدا مقابل هتل رفتم که در یکی از گران‌ترین خیابان‌های بروکسل است و سال ۲۰۰۸ یکی از شیوخ عرب در آن‌جا ساکن بوده که تعداد زیادی زن را به عنوان برده‌ی جنسی و خانگی در خدمت خود داشته است. به شکل سمبلیک در مقابل هتل ایستادیم و یکی از سرودهای قدیمی جنبش زنان در اعتراض به ستم جنسیتی و برده‌گی را خواندیم. بعد به سمت اولین «خانه‌ی زنان» (خانه‌ی امن) حرکت کردیم و یکی از فمینیست‌های قدیمی در آن محل سخنرانی کرد، اما به علت ازدحام و فشار پلیس مجبور شدیم سریع حرکت کنیم، چون آن خیابان یکی از مراکز تن‌فروشی قانونی و به قول پلیس «بیزنس» بود و ما نباید زیاد سد معبر می‌کردیم؛ ما هم در اعتراض پلیس را افشا کردیم که باعث شد بعضی از زنان تن‌فروش با تعجب از پنجره‌ها به بیرون نگاه کنند. آخرین محل گردهم‌آیی پارکی در مسیرمان بود که در آن زنان از تشکلات مختلف پیام‌های کوتاهی می‌دادند. ما هم از طرف سازمان زنان ۸ مارس پیام همبستگی با مبارزات جهانی زنان را دادیم و این‌که مبارزه زنان ملی نیست بلکه جهانی است و این‌که چرا بدون مبارزه با دو واپس‌گرای مردسالار در سطح جهان امکان پیش‌روی و رهایی برای زنان وجود ندارد. زنان دیگری هم در مورد تجربیات شخصی خود حتی از تجاوز و تجاوز محارم و خشونت خانگی گفتند و در فضایی مملو از همدلی و همبستگی به سمت محل پایان راهپیمایی رفتم و در ایستگاه سنت‌ژیل با خواندن سرود و هم‌نوازی آکاردیون راهپیمایی را به پایان بردیم.

شنبه شب، ۵ مارس ۲۰۱۶ - جلسه‌ی بحث و گفتگو در شهر بروکسل:

روز مبارزاتی برای ما طولانی‌بود و کماکان ادامه داشت. بعد از پایان راهپیمایی به محلی رفتیم که یکی از دوستان هنرمندمان در اختیارمان قرار داده بود تا بعد از استراحت کوتاهی به بحث بپردازیم. رفقای مرد که پیش‌تر از ما جدا شده بودند و وظیفه‌ی مراقبت از بچه‌ها را هم به عهده گرفته بودند، غذای مختصری آماده کرده بودند و در یک فضای صمیمی از جمع خسته اما پر نشاط ما پذیرایی کردند و بعد جمع کوچک ما بحث حول این سوال را در پیش گرفت: چرا بدون مبارزه‌ی انقلابی زنان، امکان هیچ تغییری وجود ندارد؟ بحث خوبی بود که از ریشه‌ی ستم بر زن و تاریخچه‌ی آن گرفته تا تجربیات شخصی شرکت‌کنندگان را در برمی‌گرفت؛ این‌که آیا ستم بر زن پیش از شکل‌گیری طبقات وجود داشته است یا ارزش افزوده و به وجود آمدن طبقات این رابطه را ستمگرانه کرده است؟! بعضی از دوستان به دلایل عقب‌گرد جنبش زنان اشاره داشتند و این‌که چرا هر ساله تعداد فعالین و کیفیت جنبش زنان افول می‌یابد. از رشد تفکرات پست‌مدرنیستی در موج سوم جنبش زنان و شکست سوسیالیسم در قرن بیست گرفته تا پولاریزه شدن مردم در بین دو نیروی ارتجاعی مردسالار در صحنه‌ی جهانی یعنی امپریالیست‌های مردسالار و بنیادگرایان مذهبی گفتیم و این‌که در این چرخه‌ی ارتجاعی نه تنها نیروی انفجاری مردم به هرز می‌رود بلکه امید به آلت‌ناتیوی برای رهایی زنان و بشریت از بین می‌رود. دوستانی از کمبود درک علمی و تاریخی در بین نسل جوان صحبت کردند. یکی از دوستان آمار مربوط به تجاوز را اعلام کرد که به شکل حیرت‌آوری در کشورهای به ظاهر دموکراتیک به شدت بالاست خصوصاً سه کشور در اسکاندیناوی که «بهشت زنان» محسوب می‌شوند؛ از طرف دیگر صحت و سقم آمار هم زیر سوال بود و این‌که ملاک تجاوز در کشورهای متفاوت است اما کماکان این آمار نوک کوه یخی را به ما نشان می‌دهند. دوست دیگری از تجربه‌ی خود در برخورد به امتداد تفکر سنتی و مذهبی زنانی گفت که به اروپا آمده‌اند و نحوه‌ی برخورد با زنانی که کماکان در جوامع به اصطلاح آزاد همان سنت‌ها، مراسم مذهبی و حتی حجاب را مصرانه رعایت می‌کنند؛ این‌که نحوه‌ی برخورد صحیح به چالش کشیدن حق مهاجرت است یا به چالش کشیدن دیدگاه‌های واپس‌گرای آن‌ها؟! بحث دیگری در مورد تعریف ستم جنسیتی و اشکال متفاوت آن بود و این‌که در میان اشکال مختلف ستم بر زن کدام یک از ارجحیت برخوردار است و می‌تواند نقش محوری داشته باشد؛ این بحث هم با چالش‌هایی همراه بود؛ دوستی معتقد بود که موضوع کارخانگی که سرمایه‌داری قادر به پاسخ دادن به آن نیست حلقه‌ی مرکزی است و دیگری معتقد بود خانواده و قدرت بازتولید نسل (قدرت باروری) زن در برگیرنده‌است و خانواده خود یک واحد اقتصادی محدود به کارخانگی نیست. دو زن جوان که با موج مهاجرت اخیر به تازگی وارد اروپا شده‌اند و به تازگی به جمع پیوسته بودند از تجربه‌ی خود گفتند، از رقابت ارتجاعی مردان از ملیت‌های مختلف در کمپ‌ها برای محدود کردن حقوق زنان در خارج شدن از اتاق‌ها یا کمپ‌ها ... تا میزان تعصب و ناموس خود را نشان دهند؛ از سختی عبور از مرزها به عنوان زن و ... زن جوان افغانستانی معتقد بود که شخصاً با ایجاد تغییراتی در بین زنان توانسته آن‌ها را به تحرک و مقاومت در مقابل همسران‌شان تشویق کند. با خلاقیت آن‌ها را از محیط بسته‌ی کمپ خارج کرده و به آموزش زبان علاقمند کرده است. او اشاره داشت که می‌توان برای این کار از «ظرفیت اسلام» هم استفاده کرد و این‌گونه مردان نمی‌توانند مخالفت کنند. یکی دیگر از دوستان ضمن موافقت با تشویق زنان به مقاومت و شورش در مقابل مردسالاری معتقد بود که استفاده‌ی ابزار از «ظرفیت اسلام» خطرناک است، چون اسلام همان چارچوبی است که این محدودیت‌ها را ایجاد کرده و اگر ظرفیت اندکی برای سرپیچی از شوهر در آن هست اما محتوا و قوانین سنگسار و حجاب و ... را نمی‌توان با این متد تغییر داد؛ به عنوان مثال خود این زن جوان شاهد کشتار وحشیانه‌ی فرخنده در کابل بوده است. دختر دیگری از سختی ازدواج اقلیت‌های ملی در ایران صحبت کرد و این‌که ازدواج سفید بین اقلیت ترکمن و افغانستانی برای خود او چقدر مشکل‌آفرین بوده است و چه برخوردهای آزار دهنده‌ای را در ایران و حتی در محیط کمپ شاهد بوده است و از نظر او مهاجرت نه تنها چیزی از محدودیت‌های او نکاسته بلکه به درد و رنج او افزوده است. حتی در کمپ پناهندگی مردان دیگر برای طعنه به بی‌حجابی او به دوست پسرش می‌گویند که می‌خواهی به تو پارچه‌ای هدیه بدهیم تا بر سر «زنت» بپوشانی؟!!

باوجود این‌که همه‌ی شرکت‌کنندگان از یک روز مبارزاتی در خیابان خسته بودند اما بحث تا آخرین دقایق با حدت و شدت پیش رفت و اکثراً تمایل داشتند که مباحث را با خواندن منابع مطالعاتی و بحث و جدل دنبال کرده و عمیق‌تر کنند.

یکشنبه ۶ مارس ۲۰۱۶ - تظاهرات زنان بدون برگه در شهر بروکسل:



این تظاهرات هم روز یکشنبه بعد از ظهر از مقابل ایستگاه قطار مرکزی شروع شد. شرکت کنندگان بدون توجه به سرمای هوا و بارندگی تعداد زیادی از زنان و مردان با بچه‌های خود در این تظاهرات شرکت داشتند. حضور زنان سیاهپوست و رنگین پوست در طول مسیر چشمگیر بود و اکثر احزاب و گروه‌های سیاسی نیز شرکت داشتند. مردم در تمام راه با شور و هیجان شعار می‌دادند: «ما همه بدون برگه هستیم!»؛ «قانونی شدن برای همه!»؛ «نه مرز، نه ملیت، اخراج را متوقف کنید!»؛ «هیچ کس غیرقانونی نیست!»؛ «همبستگی با زنان بدون برگه!» و ... هرچند قرار بود این راهپیمایی در یک محله‌ی خارجی و مسلمان نشین (پلاس بیت‌الحم) به پایان برسد اما پلیس موافقت نکرد و اعلام کرد که این محل قابل کنترل نیست و به اجبار تظاهرات در پارکی نزدیک به ایستگاه سنت‌ژیل به پایان رسید و برگزارکنندگان که تدارک سخنرانی و برنامه‌های هنری خوبی را دیده بودند با بارش شدید باران غافلگیر شدند. تقریباً همه‌ی شرکت کنندگان خیس شدند اما عده‌ی زیادی سعی کردند برای حفظ روحیه خود و دیگران بمانند و نوازنده‌گان هم با وجود سرمای شدید با هنرشان به این همبستگی پاسخ گرمی می‌دادند. آهنگ‌های مبارزاتی آمریکای لاتین و ... نواخته شد و ترانه‌های زیبایی اجرا شد. اما نکته‌ی قابل نقد این بود که در بخش آخر یعنی قرائت پیام‌ها ۴ مرد از تشکل «بدون برگه‌ها» روی پودیوم رفتند و صحبت کردند که با اعتراض ما و بعضی دیگر از زنان مواجه شدند؛ چون تمام طول راه شعار همبستگی با زنان بدون برگه را داده بودیم و انتظار می‌رفت که زنان خودشان پیام خود را برسانند، این درحالی بود که زنان این تشکل در حال فروش اقلام کمک مالی و رسیدگی به کودکان بودند. در پایان هم سازمان دهندگان با گشاده‌دستی و خوش‌رویی از شرکت کنندگان خیس و سرما زده با سوپ داغ، پذیرایی گرمی کردند.

سه‌شنبه ۸ مارس ۲۰۱۶ - تظاهرات روز زن در شهر بروکسل:



این تظاهرات هر ساله به وسیله‌ی اکثر سازمان‌های شناخته‌ی شده‌ی زنان و بخش زنان احزاب و ... سازماندهی می‌شود و امسال هم این تظاهرات از ایستگاه قطار مرکزی آغاز شد. می‌توان گفت سازمان‌دهندگان در ابتدای مسیر با خواندن سرود، پیام‌ها، نمایش و ... تا حدی شرکت کنندگان را که تمایل به راهپیمایی داشتند، خسته کردند اما این توقف فرصت خوبی بود تا تشکلات مختلف با هم دیدار و صحبت کنند. ما هم بیانیه‌هایمان را پخش کردیم با بعضی فعالین تماس گرفتیم و قرارهایی را برای فعالیت‌های بعدی گذاشتیم با رسانه‌ها که عمدتاً همین تظاهرات‌های دولتی را پوشش می‌دهند، صحبت کردیم و ... بعد از این توقف یک ساعته جمعیت حرکت کرد. در میدان آلبرتین نمایش موزیکالی مینی بر نابرابری در کره‌ی زمین اجرا شد و گروهی از زنان و مردان در این رقص همراه شدند. توقف بعدی در میدان سنت‌ژان بود که مجسمه‌ی زنی مبارز به نام «گابریل پُتی» (Gabrielle Petit) در آن قرار دارد و هر ساله زنان اعتراض می‌کنند که چرا اسم این میدان به نام گابریل تغییر نمی‌کند. گابریل زنی بود که در جریان جنگ جهانی اول به ارتش مقاومت پیوست و در جابه‌جایی خلبان‌ها، اخبار و اسلحه و ... نقش زیادی داشت و وقتی دستگیر شد، با مقاومت قهرمانانه‌ای هیچ اطلاعاتی به دشمن نداد و در سال ۱۹۱۶ به اتهام جاسوسی در زندان بروکسل اعدام شد و بعد تبدیل به قهرمان جنگ جهانی اول شد. امسال در صدمین سالگرد او ما به پیشنهاد تعدادی از زنان شبکه‌ی «وکلا‌ی مترقی» ترتیب نمایشی را دادیم که هدف از آن به راه انداختن یک کمپین در حمایت از زنان مبارز و خصوصاً زنان گُرد بود. چون در بلژیک عده‌ای از آن‌ها به اتهام همکاری و هواداری از احزاب «تروریست» گرد دستگیر و حبس‌های طولانی گرفته‌اند. هدف ما جلب کردن توجه افکار عمومی به این موضوع بود که چطور صد سال پیش زنی چون گابریل قهرمان محسوب می‌شده و امروز «تروریست»؟! آیا اگر گابریل زنده بود باز هم حکم حبس و زندان از دولت «دمکراتیک» بلژیک نمی‌گرفت؟! به همین دلیل ما پوسترهایی با عکس گابریل و یک زن جان‌باخته‌ی گُرد تهیه کردیم با این

مضمون: «من زنده هستم و هنوز می‌جنگم!»؛ «زنان در جنبش مقاومت تروریست نیستند!» برای همین در مقابل مجسمه‌ی گابریل نمایش کوتاهی توسط دو وکیل با همین مضمون اجرا شد که توجه شرکت‌کنندگان را جلب کرد اما مشخص بود که سازمان‌دهندگان (دولتی) زیاد توافقی با آن ندارند.

در ادامه‌ی مسیر پلترم ما تلاش داشت که شعارها را تا حدی رادیکالیزه کند. هرچند همه با شعار «همبستگی جهانی زنان!» موافق بودند اما ما با شعارهایی چون: «بدن من، انتخاب من، آزادی من!»؛ «زنان همه جا هستند، مقاومت همه جا هست!»؛ «پلیس همه جا، عدالت هیچ جا!»؛ «خشونت علیه زنان را متوقف کنید!»؛ «زن‌کشی، تجاوز، خشونت خانگی، ازدواج اجباری، سنگسار، حجاب اجباری و ... را متوقف کنید!»؛ «آیا برای جنگ آماده‌ای؟! آیا برای مقاومت آماده‌ای؟ آیا برای انقلاب آماده‌ای؟ بدن ما حق ماست، ما آماده‌ایم و خواهیم جنگید!» ... باعث شدیم عده‌ای که تمایل داشتند شعارهای رادیکال‌تری بدهند حول جمع ما حلقه بزنند و این باعث شد که سازمان‌دهندگان به ما بگویند که ما برای صلح این‌جا هستیم و ما هم گفتیم ما هم برای برقراری صلح این شعارها را می‌دهیم و نه برای پذیرش خشونت. در پایان این تظاهرات هم با بارش باران در پلاس روپ به پایان رسید.

چهارشنبه ۹ مارس ۲۰۱۶ - تظاهرات زنان گرد در شهر بروکسل:



این تظاهرات هم از مرکز شهر بروکسل (پلاس دو لا مونه) با حدود ۱۰۰ زن و مرد شروع شد. زنان گرد که امسال تظاهرات مستقلی را سازمان‌دهی کرده بودند با لباس‌های محلی و رنگارنگ جمع شدند. این صف رنگارنگ و موزیک‌گردی توجه عابران را جلب می‌کرد اما متوجه شعارهایی که به زبان‌گردی داده می‌شد، نمی‌شدند. در همان ابتدای راه چند جوان که گویا تُرک بودند و قصد درگیری داشتند به وسیله‌ی پلیس متوقف شدند. مسیر راهپیمایی طولانی نبود و تا رسیدن به ایستگاه قطار مرکزی با شعارهای «زن، زندگی، آزادی!»؛ «زنده باد اوجالان!»؛ «زنده باد مبارزین ی‌پ‌گ!» و ... حرکت کرده و در نهایت در ایستگاه مرکزی یک پیام کوتاه خوانده شد و زنان در یک حلقه‌ی بزرگ رنگارنگ به رقص کردی پرداختند.

سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان) - واحد بتریک

۱۰ مارس ۲۰۱۶